

بررسی تطبیقی کیفیت زندگی شهری در روستاهای ادغام شده با هسته‌های

طراحی شده (مورد مطالعه: شهر تبریز)

ابوالفضل قنبری^۱، اکبر سلطان زاده^۲، مهدی صدیق^۳

چکیده

شهر به عنوان بستر زیست انسان شهرنشین، نیازمند استانداردهایی است که در یک نگاه می‌توان آن را استانداردهای کیفیت زندگی نامید. کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی و پیچیده است که از سوی متفکران علوم شهری و دیگر اندیشمندان علوم مختلف مطرح و مورد پژوهش قرار گرفته است. در این مقاله هدف بررسی تطبیقی نواحی مختلف شهری تبریز بر اساس شاخص‌های تعریف شده در رابطه با کیفیت زندگی است. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، شامل ۴ محله از دو بافت متفاوت (روستایی و طراحی شده) شهری است. روش پژوهش مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. ابتدا مطالعات اکتشافی به صورت کتابخانه‌ای و بازدید مقدماتی صورت گرفته و مطالعه میدانی با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. برای تعیین حجم نمونه در محدوده‌های مورد مطالعه، از فرمول کوکران و برای توزیع پرسشنامه، از روش تصادفی ساده استفاده شده است و در هر کدام از بافت‌ها ۱۳۰ پرسشنامه توزیع شده است و در پایان برای تحلیل از آمارهای توصیفی، تحلیل واریانس یکطرفه (آزمون Anova) و تحلیل عاملی استفاده شده است.

نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که میزان رضایت‌مندی بافت روستایی در بعد اجتماعی (۱۳/۶۱ درصد)، نسبت به بافت طراحی شده (۱۲/۹۹ درصد) در سطح مطلوبتری قرار دارد اما میزان رضایت‌مندی در بعد کالبدی و میزان نارضایتی در بعد زیست‌محیطی بافت طراحی شده، به ترتیب با ۳۸/۱۸ درصد و ۱۱/۵۸ درصد نسبت به بافت روستایی (کالبدی ۳۳/۴۸ درصد و زیست محیطی ۱۸/۳۷ درصد) از سطح کیفی مطلوبی برخوردار است. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی، نشانگر این است که در بافت روستایی عامل‌های رضایت‌مندی از امکانات و زیست محیطی و در بافت طراحی شده رضایت‌مندی از امکانات و محیط کالبدی بیشترین و مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری میزان رضایت‌مندی ساکنان نسبت به محلات خود را ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، روستاهای ادغام شده، هسته‌های طراحی شده، تبریز.

۱. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

بحث کیفیت زندگی،^۱ به تازگی در ادبیات توسعه پایدار و برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی و مباحث اقتصاد نوین مطرح شده و جایگاه ویژه‌ای یافته است و دولت‌ها در سطح ملی و محلی و نیز مؤسسات متعددی بر روی سنجش و شاخص‌سازی آن کار می‌کنند (خوارزمی، ۱۳۸۷)؛ به این ترتیب که روش‌های گوناگونی برای مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است. با این وجود، تاکنون چارچوب جامعی برای مطالعه کیفیت زندگی به صورت یکپارچه و کل‌گرایانه و متکی بر شاخص‌های فیزیکی، مکانی و اجتماعی ارائه نشده است (کمپ و همکاران، ۲۰۰۳: ۵). از طرفی، کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص‌های عینی یا شاخص‌های ذهنی و به ندرت با استفاده از دو نوع شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۷). شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنان از زندگی شهری به دست می‌آیند؛ در حالی که شاخص‌های عینی، مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده‌های ثانویه به دست می‌آیند. علاوه بر این، نظریه‌ها و مطالعات تجربی کیفیت زندگی به شکل امروزی آن، عمدتاً از جوامع غربی نشأت گرفته‌اند. در کشور ایران نیز با وجود مطالعات مختلفی که در سالهای اخیر در زمینه کیفیت زندگی صورت گرفته است اما در مطالعات انجام شده به شاخص‌سازی کیفیت زندگی در ابعاد مختلف توجه کمتری شده است؛ به عبارت دیگر فاکتورهای عمده تأثیرگذار بر کیفیت زندگی مردم در شهرهای کشور ما، به طور واضح شناسایی نشده‌اند.

گسترش شتابان شهرنشینی طی پنجاه سال اخیر در کشور، که از انگاره‌های رایج توسعه در جهان ناشی می‌شود، شیوه سکونت و شکل‌گیری سکونتگاه‌ها را دگرگون ساخته است. بارزترین نمود این روند در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور (که از دهه‌های اول قرن ۱۴ شمسی شروع شده است)، شکاف بین کیفیت زندگی شهر و روستا می‌باشد.

بدین ترتیب رشد شتابان شهرنشینی در دهه‌های اخیر، سبب شده است که ساخت فضایی و کالبدی شهرها گسترش یافته و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها را مورد تعرض قرار دهند. شهرنشینی شتابان، سیل مهاجرت روستاییان به شهرها، توسعه فیزیکی شهرها و ادغام روستاهای پیرامونی به شهر، موجب ظهور محلاتی با سکونتگاه‌های نامتعارف که ناشی از عدم آمادگی شرایط اجتماعی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌باشد، گردید. به نظر می‌رسد، بافت‌های درونی هسته‌های ادغام شده روستایی در شهر از لحاظ خدمات و تسهیلات لازم برای زندگی در شرایط نامناسب قرار دارند؛ بنابراین، امروزه پایین بودن سطح کیفیت زندگی در مناطق شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزان و مدیران قرار گرفته است. کیفیت زندگی شهری، در برگیرنده احساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل کالبدی - فضایی، اجتماعی، زیست‌محیطی، محیط زندگی‌شان است.

از مهم‌ترین این عوامل که می‌توان در کیفیت زندگی به آن پرداخت عبارتند از: آلودگی‌های (هوا، آب، فاضلاب‌های شهری، زباله و غیره) محیط زیست شهری، نحوه ارتباطات و دسترسی‌ها، وجود تسهیلات و خدمات رفاهی، وجود امنیت اجتماعی، توجه به قشرهای خاصی از جامعه و هویت آنها و غیره، اشاره کرد. این عوامل هرچند که می‌توانند به صورت مستقل عمل نمایند، اما بی‌تردید هرگونه تغییر و پویایی در هرکدام از آنها، دیگر عوامل موجود در محیط زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدین ترتیب توجه به این عوامل و بررسی نقش آنها ما را در بهبود و ساماندهی محیط زندگی شهری یاری می‌نمایند.

درباره کیفیت زندگی شهری، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد که از این میان می‌توان توسعه عدالت اجتماعی، اکولوژی اجتماعی و توسعه پایدار و شهر سالم را نام برد که هرکدام در رابطه با بررسی کیفیت زندگی شهری، بخشی از مسائل شهری را مورد توجه قرار داده‌اند. دیدگاه توسعه پایدار، دیدگاه مورد نظر پژوهش حاضر است که بر معیارها و شاخص‌ها جامع تأکید می‌کند و به صورت همه‌جانبه تمامی ابعاد محیط

زندگی شهری را یعنی؛ کالبدی و فضایی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد توجه قرار می‌دهد و همچنین توجه به کیفیت زندگی، محقق را به ناچار به سوی پرسش از عدالت اجتماعی سوق می‌دهد. این امر سبب شده است که در طی دهه‌های اخیر، توجه به عدالت اجتماعی چه از سوی جغرافی‌دانان و چه از طرف دانشمندان سایر رشته‌ها، مورد توجه جدی قرار گیرد که یکی از بهترین نمونه‌های آن تحقیقات روالز می‌باشد (راولز، ۱۹۸۵: ۲۲۵).

مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تأثیر فاکتورهای اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند (سانتوز و مارتین، ۲۰۰۷: ۴۱۳). به طور کلی، کیفیت زندگی در بافت‌های روستایی و طراحی شده شهر تبریز، بنا به دلایل مختلف در سطح پایینی قرار دارد. بافت روستایی به دلیل پایین بودن کیفیت کالبدی از جمله فرسوده بودن واحدهای مسکونی، نبود دسترسی به صورت سلسله‌مراتبی، کمبود کاربری‌های خدماتی و غیره با مشکلات زیادی مواجه است و بافت طراحی شده نیز با مشکلاتی از جمله کمبود فضاهای عمومی، کمبود برخی کاربری‌های خدماتی، نبود مشارکت اجتماعی و محله‌ای و غیره مواجه است. هدف این مقاله بررسی تطبیقی کیفیت زندگی بین روستاهای ادغام شده که هنوز ساخت فضایی - کالبدی روستایی خود را حفظ کرده‌اند با شهرک‌های طراحی شده در شهر تبریز است. بدین ترتیب دو روستای ادغام شده (قراملک، آخماقیه) را با دو هسته جدید شهری (رشدیه، زعفرانیه) بر مبنای شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست محیطی مورد بررسی قرار داده است.

در واقع تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است: آیا بین روستاهای ادغام شده در سال‌های اخیر و هسته‌های طراحی شده از لحاظ کیفیت زندگی تفاوتی وجود دارد؟ اگر چنین است، در کدام شاخص‌های کیفیت زندگی تفاوت بیشتری وجود دارد؟

۲-۱- پیشینه تحقیق

به دنبال توسعه شهرنشینی مشکلات آن نیز به تدریج پدیدار و شناخته شدند. از اوایل دهه ۱۹۶۰ بحران‌های شهری گسترده‌تر شد و به دنبال بروز و گسترش بحران در جنبه‌های مختلف زندگی شهری اعم از زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و غیره یک آگاهی عمومی نسبت به مشکلات محیطی و نزول کیفیت محیط شهرها در مقیاس و محلات مسکونی به وجود آمد. در دهه ۱۹۶۰ شناسایی معیارها برای سنجش کیفیت محیط آغاز شد و از آن زمان تاکنون، بسیاری از استانداردها برای شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی تدوین شده است.

در اولین کنفرانس هابیتات سازمان ملل در سال ۱۹۷۶، مفهوم کیفیت محیط شهری برای اولین بار در یک مجمع رسمی بین‌المللی مطرح شد. در این کنفرانس، کیفیت محیط را با برآورده نمودن نیازهای اساسی انسان و عدالت اجتماعی مترادف دانستند که این نیازها عبارتند از: غذا، مسکن، شغل، بهداشت، آزادی، امکان پیشرفت فردی و توزیع عادلانه درآمدهای توسعه (بحرینی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

طی ۲۰ سال اخیر، تحقیقات زیادی در کشورهای مختلف دنیا، به خصوص در آمریکا، به منظور تدوین شاخص‌های ارزیابی کیفیت محیط انجام شده است. در این تحقیقات شاخص‌ها و اهداف عددی را به عنوان ابزاری برای کیفیت زندگی، کیفیت محیط و میزان پیشرفت به سوی درجه‌ای از پایداری مورد استفاده قرار داده‌اند. در آمریکا تحقیقات گسترده‌ای از سال ۱۹۸۳ تاکنون به منظور دستیابی به شاخص‌هایی برای ارتقای کیفیت محیط سکونت از طریق سیاست‌گذاری‌های دولتی صورت گرفت. دو شهر جکسون ویل و پاسادنا و شهرهایی از ایالت‌های مینه سو تا و ارگن به عنوان شهرهای نمونه انتخاب شدند. در کشورهایی همچون کانادا، فرانسه، هلند، نروژ و انگلستان به منظور ارزیابی و ارتقای کیفیت محیط در مقیاس‌های ملی و محلی، شاخص‌ها و چشم‌اندازهایی در سیاست‌گذاری‌ها و اهداف ملی در نظر گرفته شده است (بحرینی و طیبیان، ۱۳۷۷: ۲۶). اولین مدل نظری درباره رضایت از محل سکونت، توسط مارنا و راجرز (۱۹۷۵)، بیان شده است. آنها رضایت

از محیط سکونت را مربوط به درک و ارزیابی شخص از ویژگی‌های محیطی مانند پاکیزگی، امنیت، محله و خصیصه‌های فردی نظیر جنسیت، سن، طبقه اجتماعی دانسته‌اند. یکی از جنبه‌های رضایت از محیط توجه به این نکته که زندگی مردم در محیط‌های مختلف مسکونی، سطوح متفاوتی از رضایت را در برمی‌گیرد. به گونه‌ای که ساکنان محیط‌های مختلف با در نظر گرفتن نوع خانه‌ها و محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، احساس رضایت می‌نمایند. آن‌ها اشاره نموده‌اند که ویژگی‌های مختلف یک محله مهمترین شاخص اثرگذار بر رضایت از محیط مسکونی است مطالعات متعدد بر این گفته صحه نهاده‌اند. در مطالعه مربوطه به اندازه‌گیری رضایت از محیط‌های مسکونی از شاخص‌های محیطی نظیر تمیزی و پاکیزگی محله‌ها، دوستداری محیط و جذابیت، آرامش، آسایش، امنیت، پایداری و نوع طراحی محیطی، جدید بودن بافت و دسترسی، و نیز از شاخص‌های فردی نظیر طبقه اجتماعی، سابقه سکونت، تعداد فرزندان و .. استفاده شده است. نظریه P-E یکی از دیدگاه‌های خاص برای درک رابطه بین انسان و محیط به عنوان عوامل تعیین‌کننده رضایت از محیط و سلامت روانی است. این مدل با ایجاد یک ساختار مناسب، درک عوامل اثرگذار از محیط را در محله نشان می‌دهد (فاردو، ۲۰۰۱: ۴۳۸).

بولاک ساسی در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که استفاده از کامپیوتر و اینترنت باعث افزایش کیفیت زندگی شده است (بولاک و سوسی، ۲۰۰۴). هاروی اظهار می‌دارد که مطالعه زمانی می‌تواند منبع با ارزشی از اطلاعات را برای سنجش کیفیت زندگی ارائه دهد که بیانگر واقعیت کیفیت زندگی افراد باشد چون به گمان وی، کیفیت زندگی و نیازهای انسان در دوره‌های زمانی تکامل می‌یابد (هاروی، ۱۹۹۷: ۹). نتایج مطالعات بابا و همکار (۱۹۸۹) نشان داد که افراد دارای وضعیت اقتصادی - اجتماعی بالا، سالخوردگان و مالکان به ترتیب در مقایسه با افراد دارای وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین، جوان‌تر و مستاجران از ویژگی‌های فیزیکی محله و واحدهای همسایگی‌شان راضی‌تر بوده‌اند (بابا و آستین، ۱۹۸۹: ۷۶۳). در سال‌های اخیر، مقالاتی در زمینه کیفیت زندگی در مجلات داخلی و خارج کشور منتشر شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

فتحعلیان و پرتوی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با یازده مولفه اصلی مسکن، محله، آمد و شد، امکانات و تسهیلات، تفریح و فراغت، امنیت، فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصادی، بهداشت محیط زیست، روابط همسایگی، حس تعلق و مدیریت و حکمروایی شهری به بررسی تطبیقی کیفیت زندگی در بافت‌های خودرو و برنامه‌ریزی شده اسلام شهر پرداخته است که نتایج آن نشان می‌دهد که محلات برنامه‌ریزی شده در زمینه‌های مانند آمد و شد، امکانات و تسهیلات، تفریح و فراغت در مقایسه با محلات خودرو شرایط مطلوب‌تری دارند در حالی که محلات خودرو هم در ارتباط با حس تعلق، روابط همسایگی و امنیت، وضعیت مطلوب‌تری دارند (فتحعلیان و پرتوی، ۱۳۹۰، ۹۱).

زبردست و عامریان (۱۳۸۹)، به بررسی ارتباط میان شاخص‌های عینی و ذهنی بعد خدمات عمومی کیفیت زندگی شهری در شهر جدید هشتگرد پرداخته است که نتایج آن نشانگر این است که بهبود کیفیت زندگی ذهنی از طریق بهبود شرایط عینی در محیط شهری از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. همچنین رضایت از دسترسی به خدمات عمومی اثر مثبت و معنی‌داری را به لحاظ آماری بر کیفیت ذهنی وارد می‌کند و افزایش رضایت از دسترسی به خدمات، سبب افزایش کیفیت زندگی ذهنی می‌شود. علاوه بر موارد فوق الذکر می‌توان به مقاله حاتمی‌نژاد (۱۳۹۰)، با عنوان تحلیل کیفیت زندگی روستاهای ادغام شده در شهر، رضوانی و منصوریان (۱۳۸۷)، با عنوان سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم و شاخص‌ها و مدل‌ها و ارایه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، لطفی (۱۳۸۸)، با عنوان کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری اشاره کرد.

۱-۳- مفاهیم و تعاریف

کیفیت زندگی:

یکی از رویکردهای نوین در زمینه اصلاح و گسترش مفهوم توسعه، مطرح شدن مفهوم کیفیت زندگی و دخالت دادن شاخص‌های اجتماعی و کیفی در اهداف توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای است. به کارگیری این مفهوم در واقع واکنشی است علیه توسعه یک بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه صرفاً کالبدی در مقیاس شهری و

تلاشی است برای دستیابی به معیارهای جامع‌تر و چند بعدی در عرصه برنامه‌ریزی (مهدیزاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۶). کیفیت زندگی نتیجه سه مفهوم پایداری، دسترسی و زیست‌پذیری است که زیست‌پذیری نتیجه مطلوب با ابعاد محیطی و اجتماعی است و بیشتر از نظر زمانی، نگاه به حال حاضر دارد. پایداری بیشتر متأثر از جنبه‌های محیطی و اقتصادی است که از نظر زمانی، نگاهی به آینده دارد (کمپ و همکاران، ۲۰۰۳). کیفیت زندگی از سال ۱۹۷۰ به طور مشخص و قابل ملاحظه‌ای در مطالعات اجتماعی لحاظ شده است و معنای وسیعی در ارتباط با خوشبختی در جوامع دارد و هدف آن قادر ساختن برای دستیابی به اهدافشان و رسیدن به زندگی ایده آل است؛ از این رو مفهوم کیفیت زندگی فراتر از شرایط زندگی است که تمرکز خود را روی منابع مادی افراد قرار داده است. کیفیت زندگی سه ویژگی زیر را داراست:

۱- کیفیت زندگی بر اساس وضعیت افراد مشخص می‌شود؛

۲- کیفیت زندگی یک مفهوم چند بعدی است؛

۳- کیفیت زندگی علاوه بر شاخص‌های عینی با شاخص‌های ذهنی نیز سنجیده می‌شود.

تعریف کیفیت زندگی:

کیفیت زندگی شهری در برگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی چون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد و در برخی از موارد رضایت اجتماعی نیز نامیده می‌شود. کیفیت زندگی شهری ابعاد محیطی را نیز که سنجه‌هایی چون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی را با خود دارند، در بر می‌گیرد. جنبه‌های دیگر، در برگیرنده توجه به فرصت‌های اجتماعی، امید اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است (غیاثوند، ۱۳۸۵: ۲۲). اصولاً کیفیت زندگی، واژه پیچیده، چند بعدی و کیفی با شرایط وضعیت در یک مقیاس جغرافیایی (شهر، منطقه محله، بخش و ...) است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی یا کمی است. با توجه به تعاریف متعدد در مورد کیفیت زندگی شهری و همچنین اذعان به عدم وجود اجماع نظر در مورد تعریف آن، می‌توان گفت که کیفیت زندگی شهری در کشورهای مختلف و

حتی در نواحی یک کشور نیز، متفاوت است ولی جوهر مشترک آن معطوف به تأمین نیازهای اساسی مادی و معنوی در دو وجه ذهنی و عینی به طور توأمان است. شاید بتوان تعریف زیر از کیفیت زندگی شهری را مبنای مطالعه و استنتاج قرار داد: منظور از کیفیت زندگی، توجه به کیفیت زندگی، شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی، روانی و غیره در دو وجه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) در روند برنامه ریزی شهری است (مثل شرایط کیفیت دسترسی، کیفیت مسکن، کیفیت فضاهای اوقات فراغت، فرصت‌های اجتماعی، اشتغال، مشارکت اجتماعی و غیره). جوهر اصلی کیفیت زندگی شهری، بدون تأمین و ارضای نیازهای روانی، عاطفی و اجتماعی شهروندان ناقص خواهد بود.

جدول (۱): تعاریف مختلف کیفیت زندگی

تعریف « کیفیت زندگی »	محقق
ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی جامعه و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها، علایق و نگرانی‌های فرد.	گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHOQL Group, 1993)
کیفیت زندگی را عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود توصیف کرده است.	لیو (Liu, 2000)
کیفیت زندگی را به عنوان رضایت کلی از زندگی بیان می‌کند.	فو (foo, 2000)
اصطلاح کیفیت زندگی به‌طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (مثل آلودگی و کیفیت مسکن) و همچنین به برخی صفات و ویژگیهای خود مردم (مثل سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد.	پسیون (pacione, 2003)
کیفیت را به عنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از بهزیستی ذهنی تعریف می‌کند.	کوستانزا (costanza, 2007)
کیفیت زندگی را به عنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می‌کند.	داس (Das, 2008)

۱-۴- روش تحقیق

این تحقیق از نظر نوع تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت پیمایشی بوده است و برای انجام آن ابتدا مطالعات اکتشافی به صورت کتابخانه‌ای و بازدید مقدماتی صورت گرفته و مطالعات میدانی با استفاده از ابزارهای تحقیق صورت گرفت. جمع‌آوری اطلاعات میدانی با استفاده از پرسشنامه و مشاهده انجام گردید. جامعه آماری مورد مطالعه شهروندان ساکن در ۴ محله (زعفرانیه، رشديه، قراملك و آخماقيه) بودند که در این ارتباط در هر بافت ۱۳۰ پرسشنامه به صورت تصادفی ساده توزیع شد که در مجموع هر دو بافت ۲۶۰ خانوار به عنوان جامعه نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری در محلات مورد مطالعه به صورت تصادفی ساده بوده است. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه نیز ۳۰ سؤال بود که بر روی طیف لیکرت پنج درجه‌ای نظر شهروندان را در مورد ابعاد مختلف پژوهش اندازه‌گیری نمود. برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب ضریب ۰/۸۴۸ در بافت روستایی و ۰/۷۸۴ در بافت طراحی شده حاصل گردید که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار بوده است. برای تعیین روایی پرسشنامه نیز از نظر استادان و کارشناسان متخصص استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش‌های تشریحی و کمی صورت گرفته است. در تحلیل کمی از نرم افزار SPSS و از تکنیک تحلیل عاملی برای سنجش میزان رضایت ساکنان از کیفیت زندگی محلات خود استفاده شده است.

۱-۵- محدوده مورد مطالعه

شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی در شمال غرب کشور واقع شده است. جمعیت شهر تبریز در سال ۱۳۴۵ از ۴۰۳ هزار نفر به ۱،۳۹۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است؛ به طوری که در سال ۱۳۴۵ از ۲۱۲۷ هکتار به ۱۲۰۰۰ هکتار در سال ۱۳۸۵ رسیده که نشان‌دهنده رشد ۶ برابر توسعه فیزیکی آن است (حسین زاده دلیر و همکاران، ۱۳۸۸: ۶)، و در سال ۱۳۹۰ جمعیت تبریز متجاوز از ۱۴۰۰ هزار نفر بوده که طی نیم قرن اخیر، بیش از پنج برابر شده است. روند توسعه فیزیکی شهر تبریز در دهه‌های نخست نسبتاً کند بوده ولی در

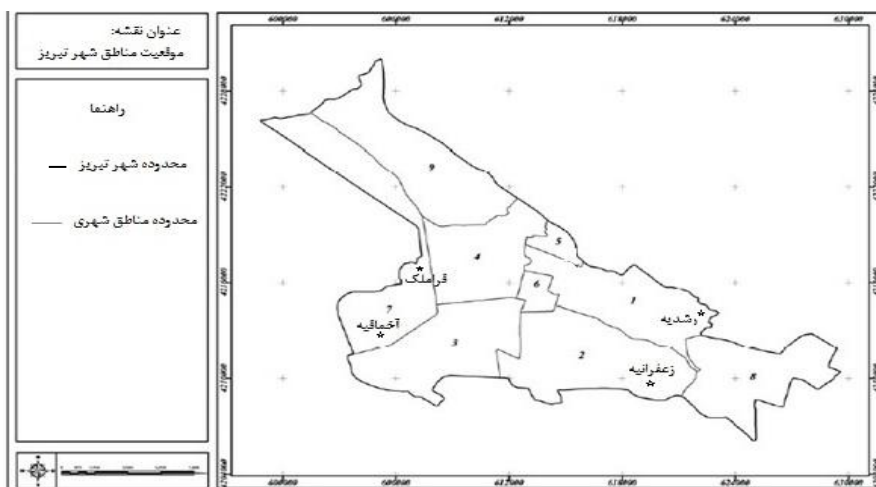
دهه‌های اخیر بخصوص از دهه ۱۳۴۰ به این سو، شروع مرحله جدیدی برای شهر تبریز از لحاظ رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی بود که به دنبال خود توسعه فیزیکی و تغییر در الگوی توزیع فعالیت‌ها و گروه‌های اجتماعی را به همراه داشت (عظیمی، ۱۳۸۵: ۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد که در نتیجه این رشد و گسترش فیزیکی اراضی مستعد، باغات و همین‌طور حدود ده روستا در داخل بافت فیزیکی شهر و در نهایت با توسعه فیزیکی شهر در آن ادغام شده است. روستای بارنج در شرق، روستاهای لاله، رواسان، امامیه و غیره در جنوب و جنوب غربی، روستای قراملک و آخماقیه در غرب و جنوب غربی و روستای ائل‌گلی در جنوب شرق، نمونه‌هایی از این موارد محسوب می‌شوند (محمدزاده، ۱۳۸۴: ۳۲). از سویی افزایش جمعیت و پاسخ‌گویی به نیازهای سکونت‌ی ساکنان موجب شکل‌گیری هسته‌های طراحی شده در بافت پیرامونی شهر تبریز شده است که از جمله می‌توان به شهرک‌های ولیعصر، باغمیشه، رشدیه، ارم، زعفرانیه و غیره اشاره کرد.

در این پژوهش، به منظور ارزیابی تطبیقی میزان کیفیت زندگی شهری چهار محله در شهر تبریز مطالعه شدند (قراملک، آخماقیه، زعفرانیه و رشدیه) که در دو بافت متفاوت شهر واقع شده‌اند که عبارتند از:

الف) بافت روستایی: توسعه شهر به طرف اراضی بلافصل پیرامونی، باعث بلعیده شدن روستاهای همجوار در کالبد خود شده و در نتیجه، این روستاها را در محدوده خود وارد نموده است. با مراجعه به اسناد مربوط به پنج دهه اخیر شهر تبریز، به نام برخی نقاط روستایی آن زمان برمی‌خوریم که امروزه از آنها به عنوان محلات شهر نام برده می‌شود، محلاتی همچون خطیب، بارنج، روستاهای لاله، رواسان، امامیه، قراملک، آخماقیه، ائل‌گلی و حکم آباد از جمله اینها هستند.

ب) بافت طراحی شده: سطوح وسیعی از توسعه اخیر شهر در سمت غرب، شرق و جنوب شرقی را بافت طراحی شده به خود اختصاص داده است. از لحاظ تاریخی، این

بافت حاصل فعالیت‌های جدید شهر و ارتباطات سواره است. در این بافت، علاوه بر کاربری‌های مسکونی، سایر کاربری‌ها نیز طراحی و اجرا شده‌اند، (حسین زاده دلیر و همکاران، ۱۳۸۸: ۹).



شکل شماره (۱): موقعیت محدوده‌های مورد مطالعه بر روی شهر تبریز



تصویر (۱): بافت کالبدی روستاهای ادغام شده

۲- یافته‌های پژوهش

۲-۱- آمارهای توصیفی - تحلیلی

با توجه به ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی، یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده در دو بافت روستایی و طراحی شده شهر تبریز به شرح زیر می‌باشد.

آمارهای توصیفی برای ارزیابی کیفیت زندگی در بافت روستایی (آخماقیه و قراملک) و بافت طراحی شده (زعفرانیه و رشديه) محاسبه شده است. نظرات پاسخگویان با استفاده از طیف لیکرت ۵ مقیاسی اندازه‌گیری شد که عدد ۱ نشان‌دهنده رضایتمندی خیلی کم و عدد ۵ نشان‌دهنده رضایتمندی خیلی زیاد است. جدول (۲) درصد پاسخگویان در دو بافت مورد مطالعه را نشان می‌دهد که بر اساس پاسخ‌ها در سطوح مختلف کیفیت زندگی طبقه‌بندی شده‌اند. وقتی از پاسخ‌دهندگان در مورد کیفیت زندگی محله خود سؤال شد، مشخص شد که در بافت روستایی ۲۰/۷ درصد افراد پاسخ‌دهنده از کیفیت زندگی محله خود به طور کامل ناراضی و ۷/۷ درصد پاسخ‌دهندگان به طور کامل راضی بودند. اما در بافت طراحی شده بنا به نتایج آمارها ۱۱/۸ درصد از پاسخ‌دهندگان به طور کامل از کیفیت زندگی محله خود ناراضی و ۵/۰۰۱ درصد از افراد به طور کامل راضی بودند. به‌طور کلی در بافت روستایی ۵۲/۶ درصد و در بافت طراحی شده با ۳۳/۸ درصد پاسخ‌دهندگان از کیفیت زندگی خود ناراضی بودند و ۲۲/۳ درصد در بافت روستایی، ۲۵/۲ درصد از افراد در بافت طراحی شده از کیفیت زندگی محله خود رضایت داشتند؛ اما نقطه قابل توجه اینکه حدود ۲۴/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان در بافت روستایی و ۴۰/۹ درصد از افراد در بافت طراحی شده در طبقه خنثی قرار گرفتند. آمار توصیفی میزان رضایت از کیفیت زندگی در هر دو بافت مورد مطالعه با توجه به طیف لیکرت به صورت مفصل در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول (۲): رضایت پاسخ‌دهندگان از کیفیت زندگی در بافت‌های مورد مطالعه

بافت طراحی شده (زعفرانیه و رشديه)		بافت روستایی (قراملک و آخماقيه)		میزان رضایت از کیفیت زندگی
تجمعی	درصد	تجمعی	درصد	
۱۱۸۹۵	۱۱۸۹۵	۲۰۷۹۶	۲۰۷۹۶	خیلی کم
۳۳۸۵۷	۲۱۹۶۲	۵۲۶۲۴	۳۱۸۲۸	کم
۷۴۷۷۳	۴۰۹۱۶	۷۷۵۳۲	۲۴۹۰۸	تاحدودی
۹۴۹۹۷	۲۰۲۲۴	۹۲۲۱۶	۱۴۶۸۴	زیاد
۱۰۰	۵۰۰۱	۱۰۰	۷۷۶۸	خیلی زیاد
۳۰۴۱		۲۰۶۱		میانگین (لیکرت)
۱۰۰۳		۱۰۰۸		انحراف استاندارد

میزان رضایت از معرف‌های مربوط به ابعاد سه‌گانه (اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی) کیفیت زندگی مورد سؤال قرار گرفت. این به ما کمک می‌کند تا میزان رضایت‌مندی پاسخ‌دهندگان از ابعاد مختلف را ارزیابی کنیم. پس برای نشان دادن تفاوت معناداری بین میزان نشان‌دهنده اختلاف در سطح انتظارات و توقعات که متناسب با ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها رضایت‌مندی در سه بعد اجتماعی، کالبدی و زیستی محیطی در دو بافت مختلف روستایی و طراحی شده از تحلیل واریانس یکطرفه (Anova) استفاده شده است. برای این آزمون از ۵ گویه: ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی (به عنوان نمونه: میزان تحصیلات، شغل، درآمد و...) پرسش‌شوندگان به عنوان متغیر مستقل و ۲۴ گویه رضایت‌مندی در بعد اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. آزمون آماری تحلیل واریانس یکطرفه نشان می‌دهد که میزان رضایت از کیفیت زندگی در ابعاد اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی در دو بافت روستاهای ادغام شده و هسته‌های طراحی شده در سطح ۰/۰۵ دارای تفاوت معناداری می‌باشد. این تفاوت نشان‌دهنده اختلاف در سطح انتظارات و توقعات که متناسب با ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها متفاوت می‌باشد، است که در

جدول شماره ۳ نتایج آزمون Anova اشاره شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون Anova در میزان رضایت ساکنان از کیفیت زندگی در دو بافت روستاهای

ادغام شده و هسته‌های طراحی شده

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.	
بعد اجتماعی	Between Groups	۲۳۰/۳۵۱	۱۴	۱۶/۴۵۴	۲/۶۹۸	۰/۰۰۱
	Within Groups	۱۴۹۴/۲۴۹	۲۴۵	۶/۰۹۹		
	Total	۱۷۲۴/۶۰۰	۲۵۹			
بعد کالبدی	Between Groups	۲۰۷۹/۹۹۳	۱۴	۱۴۸/۵۷۱	۳/۰۱۰	۰/۰۰۰
	Within Groups	۱۲۰۹۲/۵۶۱	۲۴۵	۴۹/۳۵۷		
	Total	۱۴۱۷۲/۵۵۴	۲۵۹			
بعد زیست محیطی	Between Groups	۱۰۰۸/۷۹۲	۱۴	۷۲/۰۵۷	۳/۳۷۵	۰/۰۰۰
	Within Groups	۵۲۳۰/۰۲۰	۲۴۵	۲۱/۳۴۷		
	Total	۶۲۳۸/۸۱۲	۲۵۹			

در راستای تکمیل آزمون آنوا برای نشان دادن تفاوت بین بافت‌ها در ابعاد مذکور از نتایج پرسشنامه استفاده گردیده است. بعد اجتماعی در پرسشنامه از گویه‌های روابط با همسایگان، آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی، امنیت خیابان‌ها و خطرات تردد شبانه در محله، مشارکت در طرح و نهادها تشکیل شده است که در کل میزان رضایت پاسخ‌دهندگان در گویه‌های بعد اجتماعی در بافت روستایی با ارزش میانگین ۱۳/۶۱ است، که در مقایسه با بافت طراحی شده که به میانگین ۱۲/۹۹ می‌باشد، در شرایط مطلوب‌تری قرار دارد. در بعد کالبدی به گویه‌هایی از جمله دسترسی به کاربری‌های خدماتی (بهداشتی، درمانی، آموزشی، تجاری) و دسترسی به فضاهای عمومی مانند ورزشی، فضاهای سبز و پارک‌ها و کتابخانه عمومی و وضعیت معابر و پیاده‌روها از نظر عرض و کیفیت کفپوش‌ها اشاره کرد که در بافت طراحی شده با ارزش میانگین ۳۸/۱۸ در مقایسه با بافت روستایی با ارزش میانگین ۳۳/۴۸، پاسخ‌دهندگان رضایت بیشتری دارند. همچنین از بعد زیست‌محیطی نیز میزان

نارضایتی پاسخ دهندگان از وضعیت زیست محیطی با گویه‌های آلودگی صوتی، هوا، خانه‌های متروکه و سیستم دفع فاضلاب و جمع‌آوری زباله مورد بررسی قرار گرفت که به طور کلی بافت روستایی با ارزش میانگین ۱۸/۳۷ قرار دارد. رضایت از ابعاد مختلف سه‌گانه به طور مفصل در جدول ۳ آمده است.

جدول (۴): میزان رضایت‌مندی از ابعاد سه‌گانه

بافت طراحی شده (زعفرانیه و رشديه)		بافت روستایی (آخماقيه و قراملك)		ابعاد
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۲.۲	۱۲.۹۹	۲.۸	۱۳.۶۱	اجتماعی
۷.۳	۳۸.۱۸	۶.۶	۳۳.۴۸	کالبدی
۲.۶	۱۱.۵۸	۴.۶	۱۸.۳۷	زیست‌محیطی

در بین ۲۵ گویه پرسشنامه، بیشترین میزان نارضایتی بخصوص در بافت روستایی به وضعیت پیاده‌روها و نوع کفپوش و همچنین کم عرض بودن پیاده‌روها مربوط بوده است؛ به طوری که حتی در برخی از خیابان‌ها مسیر پیاده‌رو از سواره‌رو از هم مشخص نبود.



تصویر (۲): وضعیت پیاده‌رو در محله قراملك

۲-۲- تحلیل عاملی

همان‌طور که بیان شد، کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است. در این مطالعه از تحلیل عاملی برای شناسایی ابعاد کیفیت ذهنی و عینی زندگی با توجه به ۲۵ معرف مورد بررسی در پیمایش خانوارها استفاده شده است. تحلیل عاملی نام عمومی است برای برخی از روش‌های آماری چندمتغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن اطلاعات زیاد می‌باشد (حکمت نیا، ۱۳۹۰: ۲۲۸). در عین حال خلاصه کردن اطلاعات به ترتیبی صورت می‌گیرد که نتیجه خلاصه شده از نظر مفهوم معنی دار است. به طور کلی تحلیل عاملی، تکنیکی آماری است که معمولاً برای استخراج زیرمجموعه‌های غیر همبسته معرف‌هایی که واریانس مشاهده شده در مجموعه داده اولیه را تبیین می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش ارزش KMO برای بافت روستایی ۰/۷۱۳ و بافت طراحی شده ۰/۷۰۱ و آزمون بارتلت دارای سطح معناداری در حدود ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. نتایج تحلیل عاملی در جدول ۴ به طور مفصل نشان داده شده است. تعداد عامل‌های استخراج شده به وسیله معیار مقدار ویژه و اسکری پلات ۶ عامل است که این ۶ عامل در بافت روستایی به مجموع ۵۷/۶۷۵ درصد و در بافت طراحی شده به مجموع ۶۱/۸۵۱ درصد مجموع واریانس بین تمام گویه‌های تحقیق را تبیین می‌کنند.

تحلیل عاملی که با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی، چرخش واریماکس و نرمال سازی کایزر صورت گرفت، حاوی نقاط قابل توجهی است که در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول (۵): مجموع واریانس توضیح داده شده توسط عوامل چرخش یافته با روش واریماکس در

بافت طراحی شده

بافت طراحی شده (محلله‌های زعفرانیه و رشديه)						بافت روستاهای ادغام شده (محلله‌های آخماقيه و قراملک)						متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۰/۷۱۹						ارتباط و رفت و آمد با همسایگان
												آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی خود
						۰/۷۱۵						خطرات رفت و آمد هنگام شب
	۰/۴۵۳											امنیت اجتماعی خیابان‌ها
						۰/۴۸۶						میزان همکاری با نهادهای عمومی
		۰/۸۱۹			۰/۶۲۹			۰/۶۲۷			۰/۸۰۷	وجود کتابخانه و سالن‌های مطالعه
		۰/۷۷۰									۰/۷۷۹	دسترسی به کتابخانه و سالن‌های مطالعه
۰/۷۷۷									۰/۶۱۸		۰/۷۳۴	دسترسی به فضای سبز
۰/۴۵۳					۰/۶۷۷						۰/۶۰۷	تجهیزات فضای سبز
					۰/۷۵۹	۰/۴۴۵						امکانات و تسهیلات آموزشی
					۰/۷۱۲						۰/۵۸۰	رضایت‌مندی از خدمات بهداشتی درمانی
									۰/۷۳۷			تدارک نیازهای اساسی و روزمره (موادغذایی، پوشاک و...)
۰/۴۹۰					۰/۷۱۸				۰/۵۷۴			وجود فضاهای ورزشی کافی و مناسب

بافت طراحی شده (محل‌های زعفرانیه و رشديه)						بافت روستاهای ادغام شده (محل‌های آخماقيه و قراملک)						متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
				۰/۷۲۸				۰/۴۶۰	۰/۵۸۹			سطح کیفیت حمل و نقل عمومی
				۰/۵۴۸					۰/۷۵۶			دسترسی به مکان‌های مخصوص پارکینگ و زمین بازی
				۰/۵۶۱								مساحت زمین ساختمان
				۰/۶۶۰			۰/۸۱۵					رضایت از مساحت زمین ساختمان مسکونی
				۰/۵۹۷			۰/۴۴۳		۰/۵۶۷			مناسب بودن عرض معابر و کوچه‌ها از نظر رفت و آمد
				۰/۵۱۳			۰/۸۳۹					مناسب بودن وضعیت پیاده روها از نظر تردد
												میزان آلودگی‌های صوتی
								۰/۴۷۹		۰/۵۶۰		میزان آلودگی‌های بویی
			۰/۷۸۸							۰/۵۹۹		آلودگی‌های ناشی از آبهای سطحی
			۰/۸۱۱									وجود خانه‌های متروکه
	۰/۵۰۲									۰/۶۸۰		نوشته و کاغذهای رو دیوار
												رضایت از سیستم دفع فاضلاب و جمع‌آوری زباله

همان‌طور که در جدول بالا نشان داده شد؛ بارهای عاملی متغیرهای موردی ۶ عامل به طور مشخص قرار گرفته‌اند به گونه‌ای که بیشترین بار عاملی به ترتیب به عامل‌های اول و دوم اختصاص یافته است. به منظور تحلیل نتایج جدول‌های ۵ و ۶ مجموع مجذورات بارهای عاملی چرخش‌یافته، درصد کل واریانس هر عامل، همچنین درصد تجمعی واریانس‌ها محاسبه و در جدول ۵ و ۶ آمده است.

جدول (۶): ماتریس عوامل چرخش یافته با روش واریماکس بافت روستایی

عوامل	مجموع مجذورات بارهای عاملی چرخش یافته	درصد کل واریانس هر عامل	درصد واریانس‌ها
۱	۳.۴۸۱	۱۳.۹۲۳	۱۳.۹۲۳
۲	۲.۶۱۹	۱۰.۴۷۵	۲۴.۳۹۸
۳	۲.۳۵۳	۹.۴۱۱	۳۳.۸۰۹
۴	۲.۱۹۷	۸.۷۸۸	۴۲.۵۹۷
۵	۱.۹۵۸	۷.۸۳۲	۵۰.۴۲۹
۶	۱.۸۱۱	۷.۲۴۵	۵۷.۶۷۵

جدول (۷): ماتریس عوامل چرخش یافته با روش واریماکس بافت طراحی شده

عوامل	مجموع مجذورات بارهای عاملی چرخش یافته	درصد کل واریانس هر عامل	درصد واریانس‌ها
۱	۳.۲۴۵	۱۳.۵۷۳	۱۳.۵۷۳
۲	۳.۲۴۱	۱۳.۵۰۲	۲۷.۰۲۵
۳	۲.۴۷۹	۱۰.۳۲۷	۳۷.۳۵۲
۴	۲.۲۷۵	۹.۴۸۰	۴۶.۸۳۳
۵	۱.۹۱۲	۷.۹۶۵	۵۴.۷۹۷
۶	۱.۶۹۳	۷.۰۵۴	۶۱.۸۵۱

در این جدول‌ها ۶ عامل به ترتیب در مجموع ۵۷/۶۷۵ و ۶۱/۸۵۱ درصد مجموع واریانس‌ها بین تمام گویه‌های تحقیق را تبیین می‌کنند. هریک از مؤلفه‌های چرخش یافته به تفکیک نشان داده شده است؛ به این ترتیب با وجود تعداد زیاد متغیرهای مورد مطالعه عوامل شناسایی شده تصویر نسبتاً روشنی از دیدگاه ساکنان محلات هرکدام از بافت‌های مورد مطالعه را ارائه می‌دهند. همان‌طور که در این جدول‌ها مشاهده می‌شوند، عامل اول و دوم هریک به ترتیب با ۱۳/۹۲ و ۱۰/۴۷ درصد در بافت روستایی و ۱۳/۵۷ و ۱۳/۵۰ درصد در بافت طراحی شده و در مجموع به ترتیب با ۲۴/۳۹ درصد و ۲۷/۰۲ درصد بیشترین مقدار واریانس کل نگرش پاسخ‌دهندگان را تبیین کرده‌اند. پس از ارزیابی همه گویه‌ها و با توجه به میزان بارگذاری‌های آنها روی هر عامل، نام‌گذاری مناسب برای هر عامل صورت گرفت. در بافت روستایی ۶ عامل استخراج شده به وسیله تحلیل عاملی به

ترتیب عبارتند از: رضایت مندی از امکانات خدماتی، زیست‌محیطی، کیفیت دسترسی و حمل و نقل، فضاهای عمومی، محیط کالبدی و اجتماعی.

در بافت طراحی شده نیز ۶ عامل استخراج شده به ترتیب عبارتند از: رضایت مندی از امکانات خدماتی، محیط کالبدی، زیست‌محیطی، امکانات عمومی، اجتماعی و تفریحی - فراغتی.

بررسی‌های صورت گرفته بیانگر این است که در بافت روستایی عامل‌های رضایت مندی از امکانات و زیست‌محیطی و در بافت طراحی شده عامل‌های رضایت مندی از امکانات و محیط کالبدی بیشترین تأثیر را در میزان رضایت مندی ساکنان از کیفیت زندگی در محیط زندگی خود دارند.

عوامل استخراج شده با توصیفات مختصری در مورد هریک از آنها در جدول‌های ۷ و ۸ آمده است.

جدول (۸): اسامی و توضیح مختصر عوامل در بافت روستایی

عامل	نام	توضیح مختصر
۱	رضایت مندی از امکانات	وجود کتابخانه و سالن‌های مطالعه، دسترسی به کتابخانه و سالن‌های مطالعه، دسترسی به فضای سبز، تجهیزات فضای سبز، رضایت مندی از خدمات بهداشتی درمانی.
۲	زیست‌محیطی	میزان آلودگی‌های بویایی، آلودگی‌های ناشی از آبهای سطحی و نوشته‌ها و کاغذهای روی دیوار.
۳	کیفیت دسترسی و حمل و نقل	دسترسی به فضاهای سبز، سطح کیفیت حمل و نقل عمومی، دسترسی به مکان‌های مخصوص پارکینگ و زمین بازی و مناسب بودن عرض معابر و کوچه‌ها از نظر تردد.
۴	فضاهای عمومی	سطح کیفیت حمل و نقل عمومی، وجود فضاهای ورزشی کافی و مناسب، تدارک نیازهای اساسی و روزمره (مواد غذایی، پوشاک و...) و وجود کتابخانه و سالن‌های مطالعه.
۵	محیط کالبدی	رضایت از مساحت زمین ساختمان مسکونی، مناسب بودن عرض معابر و کوچه‌ها از نظر رفت و آمد، مناسب بودن وضعیت پیاده روها از نظر تردد.
۶	اجتماعی	ارتباط و رفت و آمد با همسایگان، خطرات رفت و آمد هنگام شب، میزان همکاری با نهادهای عمومی.

جدول (۹): اسامی و توضیح مختصر عوامل در بافت طراحی شده

عامل	نام	توضیح مختصر
۱	رضایت‌مندی از امکانات	وجود کتابخانه و سالن‌های مطالعه، تجهیزات فضای سبز، امکانات و تسهیلات آموزشی، رضایت‌مندی از خدمات بهداشتی درمانی.
۲	محیط کالبدی	وجود فضاهای ورزشی کافی و مناسب، سطح کیفیت حمل و نقل عمومی، دسترسی به مکان‌های مخصوص پارکینگ و زمین بازی، مساحت زمین ساختمان، رضایت از مساحت زمین ساختمان مسکونی، مناسب بودن عرض معابر و کوچه‌ها از نظر رفت و آمد، مناسب بودن وضعیت پیاده روها از نظر تردد.
۳	زیست‌محیطی	وجود خانه‌های متروکه، آلودگی‌های ناشی از آب‌های سطحی.
۴	امکانات عمومی	دسترسی به کتابخانه و سالن‌های مطالعه، وجود کتابخانه و سالن‌های مطالعه.
۵	اجتماعی	امنیت اجتماعی خیابان‌ها، نوشته و کاغذهای روی دیوار.
۶	تفریحی - فراغتی	دسترسی به فضای سبز، تجهیزات فضای سبز، وجود فضاهای ورزشی کافی و مناسب.

۳- نتیجه‌گیری:

در این تحقیق وضعیت کیفیت زندگی شهر تبریز در دو بافت روستایی (محلات آخماقیه و قراملک) و طراحی شده (محلات زعفرانیه و رشديه) با استفاده از آمارهای توصیفی و تحلیل عاملی ارزیابی شد. ابتدا پرسشنامه‌ها در سطح محدوده‌های مورد نظر به صورت تصادفی ساده توضیح داده شدند و سپس وضعیت رضایت‌مندی هر محدوده با استفاده از آمارهای توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد و تحلیل عاملی محاسبه و ارائه شد. در این پژوهش، میزان رضایت‌مندی ساکنان محلات از کیفیت زندگی شهری در سه بعد اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی در محلات خود ارزیابی شده است. به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده از آمارهای توصیفی حاکی از آن است که میزان رضایت‌مندی ساکنان محلات بافت روستایی در بعد اجتماعی نسبت به ابعاد کالبدی و زیست‌محیطی در سطح بالایی قرار دارد. در بافت طراحی شده نیز میزان رضایت‌مندی ساکنان بیشتر در ابعاد کالبدی و زیست‌محیطی بوده است؛ به طوری که بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان در پرسشنامه در طیف لیکرت گزینه تا حدودی را با بیش از ۴۰ درصد انتخاب کرده‌اند،

که نشانگر رضایت‌مندی متوسط و متوسط به بالای ساکنان بافت طراحی شده است. در تحلیل عاملی داده‌های تحقیق، ۶ عامل در هر دو بافت استخراج شد که بیشترین میزان واریانس را در گویه‌ها تبیین می‌کنند. می‌توان گفت سه عامل اول در هر دو بافت روستایی و طراحی شده به ترتیب با ۳۳ و ۳۷ درصد بیشترین واریانس کل پاسخ‌ها را تبیین نمودند. بیشترین و مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری میزان رضایت‌مندی ساکنان نسبت به محلات خود را ایفا می‌نمایند. یافته‌های به دست آمده از این مطالعه در بافت روستایی حاکی از آن است که عامل‌های رضایت‌مندی از امکانات خدماتی، زیست محیطی و کیفیت حمل و نقل بیشترین تأثیر و نقش را در رضایت‌مندی ساکنان از کیفیت زندگی محلات خود ایفا کرده‌اند. در بافت طراحی شده نیز عامل‌های رضایت‌مندی از امکانات، محیط کالبدی و زیست‌محیطی نسبت به دیگر عامل‌ها در رضایت‌مندی ساکنان از محیط زندگی خود بیشترین تأثیر و نقش را ایفا می‌کنند.

۴- پیشنهادها

- ۱- افزایش شبکه حمل و نقل عمومی منظم و مدرن و توزیع مناسب آن در بافت‌های روستایی برای دسترسی مناسب و آسان شهروندان به خدمات شهری و مرکز شهر؛
- ۲- با توجه به میزان رضایت‌مندی ساکنان بافت طراحی شده از محیط زندگی خود، پیشنهاد می‌شود که در توسعه جدید شهری به سرزندگی، تنوع کاربری‌ها و هویت مکانی محلات مسکونی توجه بیشتری اتخاذ شود؛
- ۳- با توجه به پایین بودن تعاملات اجتماعی در محلات طراحی شده پیشنهاد می‌شود در این محله مجتمع‌های فرهنگی (از جمله سرای محله‌ای و خانه‌های سلامت) با مدیریت بخش خصوصی زیر نظر شهرداری و شورای شهر ایجاد شود؛
- ۴- شبکه‌بندی منظم معابر از جمله پیاده‌روها و تجهیز پیاده‌روها و فضاهای عمومی به تجهیزات و تأسیسات عمومی برای فرهنگ‌سازی استفاده از فضاهای عمومی به منظور افزایش مشارکت و تعاملات بین شهروندان؛
- ۵- افزایش سرانه فضای سبز به منظور کاهش آلودگی‌های صوتی و هوا و بهبود سیمای بصری محیط محله‌ها و همچنین ایجاد مراکز تفریحی و ورزشی.

منابع:

- بحرینی، حسین. (۱۳۹۰). *فرآیند طراحی شهری*، انتشارات دانشگاه تهران.
- بحرینی، سید حسین، طبیبیان، منوچهر. (۱۳۷۷). *نشریه محیط‌شناسی*، فروردین و اردیبهشت، شماره ۲۱، ۲۲.
- حاتمی‌نژاد، حسین و همکاران. (۱۳۹۰). *تحلیل کیفیت زندگی روستاهای ادغام شده در شهر، مطالعه موردی: شهر میاندوآب*، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره شانزدهم، صص ۲۱۹-۲۴۰.
- حسین زاده دلیر، کریم و همکاران. (۱۳۸۸). *تحلیل و ارزیابی کیفی سنج‌های پایداری شهری در شهر تبریز*، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، صص ۱-۱۸.
- حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی. (۱۳۹۰). *کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای*، تهران: انتشارات علم نوین.
- خوارزمی، شهیندخت. (۱۳۸۷). *کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران*، پایگاه اطلاع‌رسانی علوم ارتباطات در ایران.
- رضوانی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۸۸). *توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی شهر نورآباد استان لرستان*، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم.
- رضوانی، محمدرضا، و منصوریان، حسین. (۱۳۸۷). *سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی*، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳.
- عظیمی، نورالدین. (۱۳۸۵). *تغییرات ساختار در شهر تبریز*، فضای جغرافیایی، سال اول، شماره ۴، صص ۱-۲۳.
- غیاثوند، الهام. (۱۳۸۵). *تأثیر سرمایه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری*، فصلنامه مهندسان مشاور، شماره ۲۵.
- ۱۱- لطفی، صدیقه. (۱۳۸۸). *کیفیت زندگی شهری*، تعاریف و ابعاد و سنجش آن در

- برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم (پاییز).
- محمدزاده، رحمت. (۱۳۸۴). مدرنیته و شهرسازی: مورد مطالعه بافت قدیم شهر تبریز، رساله دکتری تخصصی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.
 - مهدیزاده، جواد و همکاران. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
 - Baba, Y. and Austin, D. M (1989). Neighborhood Environmental Satisfaction, Victimization, and Social Participation as Determinants of Perceived Neighborhood Safety, Environment and Behaviour, No 21 (6), pp763-780.
 - Bullock ,B. S. and Susie, J (2004). An Analysis of Technology Use and Quality of Life in a Rural West Texas Community: Austin University of Texas.
 - Das. D. (2008). Urban Quality of Life: A case study of Guwahati, Social Indicators Research, Vol. 88.
 - Fardro, M (2001). The Economic and social bases of cultural goods, cultural thesis master's degree, Allameh Tabatabai University.
 - Foo .T. S. (2000). Subjective assessment of urban quality of in Singapore (1997-1998). Habitat International, Vol. 24, No. 1.
 - Harvey, A. S (1997). Time Use Analysis in Quality-of-Life Studies. Journal of Development in Quality-of-Life Studies. Vol. 1, No.3.
 - Kamp .I. .k. Van. Leidemeijer. K. Marsman. G. and. De Hollander .A. (2003). Toward a conceptual framework and demarcation of concepts: a Literature study. Landscape and Urban Planning, Vol. 65 (1-2).
 - Zebardast. E. (2009). The housing domain of quality of Life satisfacion in the spontaneous settlements on the on the Tehran metropolitan fringe. Social Indicators Reserch, 90.
 - Pacione, M. (2003): Urban environmental quality and Human Wellbeing a social Geographical Perspective , Journal of landscape and Urban Planning . Vol. 65. No. 2.
 - Santos. L. and Martins, I., 2007, Monitoring urban quality of Life: The porto experience, social Indicatorrs Research, 80.
 - Rawls, John (1985). Justice as Fairness ;Polotical not metaphysical, philosophy and public Affaris, Vol. 14, Issue. 3 (Summer), PP: 223-2.

